

## برنامه‌های توسعه اقتصادی از تفکر تا عمل

مشکلات اقتصادی کشور که در سطح کلان به صورت تورم، افزایش نرخ ارز، بیکاری، کسری تراز پرداختها، سطح پایین نرخ سرمایه‌گذاری و قرار گرفتن بخش عظیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر در مدت زمانی طولانی تداوم یافته‌اند و در سطح خرد به انبوهی از مسایل اقتصادی و غیر اقتصادی نهادینه شده مبدل شده‌اند، سؤالهای بیشماری را در پیش روی محققان قرار می‌دهد. سؤالهایی که ابعاد فلسفی و بینشی حاکم بر برنامه‌های اقتصادی و فرایند روند تصمیم‌گیری حیاتی، شناخت و درک مسایل داخلی و بین‌المللی محیط و مسلط بر امر تصمیم‌گیری مسئولان نهادها و سیاستگذاران و روشهای فنی و عامل در حل مسایل را شامل می‌شود.

آیا اندیشمندان علوم اقتصادی کشور که مؤثر در سیاستگذاری و طراحی برنامه‌های توسعه کشور هستند از یک الگوی نظام یافته فکری<sup>۱</sup> همسو با مشکلات پیروی می‌کنند؟ آیا عدم توفیق در حل مسایل اقتصادی کشور به عدم درک و شناخت ماهیت مسایل بر نمی‌گردد؟ آیا می‌توان اطمینان داشت که اهداف و آرمان‌های ملی توسعه در چارچوب بینش‌های شناخته شده علمی تولد می‌یابند؟ اگر چنین باشد، آیا محتوای اندیشه‌های علمی<sup>۲</sup> در مسیر انتقال به تصمیم‌گیرندگان سیاسی اقتصادی<sup>۳</sup> و گذر از مراحل قانونی و در نهایت به تصویب رسیدن و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیرهای نهادها و عوامل اجرایی کشور از نسجم و سازگاری مدیریتی برخوردارند؟

اگر به سؤال‌های فوق درخصوص برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، که اکنون مراحل تصویب آن از مجلس گذشته است، بیندیشیم شاید بتوان قبل از اجرا و پنج سال انتظار

---

1- Paradigm  
2- Think Tank  
3- Decision - Makers

برخی از نتایج آرمانی توسعه را پیش‌بینی کرد؛ از جمله اینکه الگوی فکری حاکم بر برنامه براساس کدامیک از مکاتب فکری شناخته شده پایه‌ریزی شده است و اگر مدعی عدم پیروی از الگوهای مرسوم<sup>۱</sup> هستیم و الگوی فکری طراحی شده، بومی ایرانی است میانی نظری آن کدامند؟ آیا سیاست‌های بخشی و فرابخشی طرح شده در لایحه، استمرار خط‌مشی‌های گذشته و تعدیل‌هایی برای رفع نارسایی‌های اجرایی نبوده است؟

اگر چنین باشد نیروهای حاکم بر جریان بخشی گذشته، خود را بر تصمیمات جدید تحمیل خواهند نمود و اجازه هرگونه تحول اساسی را در عمل سلب خواهند نمود و در واقع برنامه جدید نقشی در خط سیر فعالیت‌های آینده نخواهد داشت، بلکه این روند نهادینه شده گذشته است که خود را بر برنامه‌های آینده تحمیل می‌نماید. به عبارت دیگر با برنامه جدید (برنامه سوم) هم اتفاق فوق‌العاده‌ای رخ نخواهد نمود و هر برنامه و تصمیمی در فضا و جریان عادی کنونی محبوس و زندانی قواعد و نیروهای خواهد بود که طی چند دهه گذشته نهادینه شده‌اند.

درخصوص تصریح و توضیح متغیرها و الگوهای برنامه باید خاطر نشان ساخت که این برنامه باید با توجه به واقعیات داخلی و متغیرهای خارجی و با عنایت به اهداف کمی سایر کشورهای رقیب طراحی می‌شد.

نادیده گرفتن متغیرهای خارجی، عدم توجه جدی به جایگاه کشور در صحنه رقابت‌های بین‌المللی، و تداوم روند سلطه‌پذیری یا کاهش سهم کشور در تجارت خارجی؛ سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛ دستاوردهای علمی و فنی؛ به ظاهر برنامه را خارج از دغدغه‌های مشکلات داخلی و رقابت‌های فرامرزی متصور می‌سازد و چنین می‌نماید که تدابیر و شیوه‌های حاکم بر بازی‌های تجاری در سطح جهانی، تأثیر منفی بر روند حداکثرسازی منافع ایران نخواهد داشت. به علاوه، عدم معرفی روشهای محاسباتی به کارگرفته شده در برنامه مصوب، خود مجموعه‌ای از ابهامات را بر دقت در محاسبه مقادیر

عددی و کمیت‌های جمع شده<sup>۱</sup> بخشی به جای گذاشتند.

برنامه سوم با فرض رعایت ضوابط علمی برنامه نویسی و اینکه مجموعه ارائه شده مجموعه‌ای از سیاست‌های سازگار و هماهنگ و براساس الگوی نظم یافته‌ای طراحی شده است و ترکیبی از داروها با مقادیر کمی معین برای درمان اقتصاد بیمار می‌باشد، در مجلس به عقلانیت سیاسی<sup>۲</sup> به جای عقلانیت تکنیکی حاکم سپرده شد. برای مثال، در این برنامه، قیمت‌های محصولات کارخانه‌ای دولتی علی‌رغم افزایش مسلم چند ده درصدی در اغلب داده‌ها و عوامل تولید، مجوز ده درصد افزایش را کسب خواهند نمود. اینکه این رقم ده درصد را از کجا آورده‌اند و اینکه چرا اصل کارایی تولید فدای شعار فریبنده برابری گردید نشان می‌دهد که ظرفیت سازی‌های غیر قابل اجتناب، سرمایه‌گذاری‌های لازم برای جبران استهلاک، و حتی بقا در صحنه رقابت‌های شکننده نادیده گرفته شده است. اینها مسائلی است که باعث می‌شوند تا ورشکستگی و بارگران زیانهای آن در سال‌های آتی خود را به نمایانند، آنگونه که گویی علم و دانش فنی و تفکر بر مبنای علم و فن جایی در تصمیم‌گیریها نداشته است.

به هر حال در این برنامه با نرخ رشد ۶ درصد پیش‌بینی شده و ۴/۵ درصد اعمال شده در بودجه اولین سال برنامه - مطابق با شواهد و تجربه‌های رشد کشورهای تازه صنعتی شده، و الزام به داشتن نرخ رشد خالص بالای ۷ درصد در سال و برای تحقق تغییرات ساختاری و گذر از روند نهادینه شده گذشته از طریق جهش اقتصادی - به نظر می‌رسد که یا هدف توسعه در این دوره مورد نظر نمی‌باشد و یا فرض بر این است که قواعد حاکم بر تحولات ساختاری جهان شمول و قرارگرفتن در مسیر توسعه، در مورد این کشور صدق نمی‌کند.

لازم به ذکر است که مؤسسات تحقیقاتی مستقل، با ارائه شاخص‌های کلان اقتصادی و تحلیل واقعیات ساختاری در پایان سال‌های اولیه برنامه قادر خواهند بود تا اشتباهات

1- Aggregated

2- Political rationality instead instead of technical rationality

تصمیم‌گیری‌های کنونی را در معرض افکار عمومی قرار دهند تا شاید در روند کنونی تغییراتی بنیادی حاصل شود و فرصت‌های شغلی گسترده، تورم معتدل، پول ملی پرقدرت، کاهش نسبی فقر و بهبود رفاه اجتماعی، و تثبیت جایگاه والای ایران در سطح جهانی بتواند در مجموعه انتظارات و آرمانهای ملی کشور متصور و ممکن گردد.

پنجاه و پنجمین شماره مجله تحقیقات اقتصادی که هم اینک پیش روی شماست، با ارائه شش مقاله به محققان، اندیشمندان و علاقه‌مندان علم اقتصاد به این امید تقدیم می‌گردد که به تعمیق اندیشه علمی و بهبود شناخت اقتصادی از ویژگی‌های کشور به منظور سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تر و کارآتر کمک نماید.

**دکتر محمود متوسلی**

**سردبیر مجله تحقیقات اقتصادی**